

## جایی برای شناختن

یعنی یک شکلی از بلاگری در حوزه کالای ایرانی راه انداختید و محصول معرفی می‌کنید؟ این آن سوالی بود که از خانم مسعودشاهی درباره نحوه معرفی محصولات ایرانی پرسیدیم: «من چون با دغدغه مشخصی این کار را شروع کردم، در ادامه راه هم نتوانستم همه درخواست‌های تولیدی‌های مختلف را به اشتراک بگذارم و معرفی کنم، چون دیده و شنیده‌ای از آنها نداشتم و صرف ایرانی بودنشان دلیلی برای معرفی کردن نبود. پس اول از محصولاتی که خودم از آنها استفاده کرده بودم شروع کردم؛ آن هم بدون هیچ هزینه‌ای.»

اما چرا باید به طور رایگان محصولی را معرفی و در ابعاد کلان‌تر، فعالیتی بدون سود شخصی در فضای مجازی داشته باشید؟ «برای این که مرجع کامل و معتبری از برندهای ایرانی در دست مخاطبانم باشد. این کار را بیشتر برای تولیدی‌های بزرگ و معروف و با اجازه خودشان انجام می‌دهم؛ برای همین با اطمینان می‌گویم اولویت هدف صفحه‌ام است و به دنبال آن، کسب و کار من هم رونق می‌گیرد و باقی تولیدی‌ها برای معرفی‌شان از من درخواست همکاری می‌کنند.»

در واقع مرجع معتبر بودن اولویت دارد بر کسب و کار؛ «بله دقیقاً؛ این صفحه، صفحه شغلی من است اما در این موضوع، اولویت دوم قرار گرفته است.»

معنی بهترش این است که برای کسب و کار بهتر بودن، به آن مرجع معتبر بودن نیاز داشتم و آن را فدای درآمد نکردم. آنقدر که تولیدی‌های متعددی بوده‌اند که درخواست معرفی داده‌اند اما من آن را قبول نکرده‌ام و در عوض پیشنهاد ارتقای کیفیت محصولاتشان را برای معرفی به آنها داده‌ام.»

و این طور شد اولین محصولاتی که در صفحه قیصریه قرار گرفتند، همان کالاهایی بودند که خانم مسعودشاهی در همان بازارچه معروف با آنها آشنا شده بود و از نوع کار و کیفیتش به طور کامل خبر داشت و این رایگان معرفی شدن، شامل خیلی از تولیدی‌های ناشناس ایرانی دیگر و بدون این که خودشان درخواست تبلیغ بدهند هم شده است: «مثلاً یک نفر پیغام می‌دهد شلوار جین ایرانی نمی‌شناسید؟ هرچه می‌گردم پیدا نمی‌کنم.»

بعد من پیش خودم می‌گویم من که از فلان برند خرید کرده‌ام و راضی هستم؛ چرا معرفی‌اش نکنم؟ برخی از معرفی‌ها هم محصولات معروف ایرانی هستند که سال‌ها قدمت و سابقه دارند. اما اینها که دیگر به معرفی نیاز ندارند؛ «بله اما این هم به همان مرجع معتبر بودن برای کالای ایرانی برمی‌گردد دیگر؛ این که کسی به این صفحه سر می‌زند، با انواع تولیدات ایرانی در زمینه‌ها مختلف آشنا شود. در واقع با یک نوعی از دایره‌المعارف کالای ایرانی روبه‌رو می‌شوند و این همان چیزی است که من می‌خواهم.» و کسانی که قصد خرید کالایی ایرانی دارند، به این صفحه سری می‌زنند تا از جدیدترین محصولات و تولیدی‌های ایرانی باخبر شوند؛ «اما حس خوبش می‌دانید چیست؟ این که در بین همه جست‌وجوها و تحقیقاتی که برای پیدا کردن و شناخت محصولات ایرانی می‌کنم، گاهی با محصولاتی مواجه می‌شوم آنقدر با کیفیت و درجه یک هستند که به دلیل ایرانی بودنشان، احساس افتخار می‌کنم؛ آنقدر که بعضی وقت‌ها این بازخورد را از مخاطبانم هم می‌گیرم که از من می‌پرسند شما مطمئن این کالا ایرانی است؟ آخه خیلی خوبه! و همین ارتباط دو طرفه است که خانم مسعودشاهی را به ادامه کار ترغیب کرده است: «راستش تازه فهمیدم مردم چقدر وفادار هستند؛ خیلی از آنها بعد از خرید از حس خوبشان به من می‌گویند و این نشان می‌دهد تا به اینجا، از عهده مسئولیتی که بر دوشم هست برآمده‌ام.»

چرا مسئولیت؟ «می‌دانید؟ در اوضاع اقتصادی این روزها، واقعاً مسئولیت سنگینی است چیزی را معرفی کنی و کسی برای آن هزینه کند و بعد از آن راضی نباشد؛ برای همین سعی می‌کنم تحقیق کنم و در عین ایرانی بودن، بهترین‌ها را گلچین و معرفی کنم.» و همین هم شد و خانم مسعودشاهی از موفقیت راهی که آمده است تا امروز می‌گوید: «فکر نمی‌کردم کارم در این مدت کوتاه تأثیرگذاری آنچنانی داشته باشد اما خوشبختانه بازخوردهای خیلی خوبی از مخاطبانم گرفتم و خیلی خوشحالم که توانستم به آن هدفی که با آن صفحه‌ام راه اندازی کردم برسم؛ آنقدر که روزی نیست کسی عکسی از خریدش نفرستد که ممنونیم این تولیدی را به ما معرفی کردی.»



## چرخ که ما می‌چرخانیم



کشورمان پیشرفت کند، جایگاهش ارتقا یابد و موفقیت‌های خوبی در همه زمینه‌ها به دست بیاورد؛ حالا من مسئولیت‌م را استفاده و معرفی محصول زحمت هموطنانم می‌بینم، اما یکی دیگر در عرصه ورزشی سعی می‌کند ثمربخش باشد و دیگری در زمینه علمی.

در این میان، احتمالاً آدم‌های زیادی هستند مثل من فکر می‌کنند و در راه حفظ جایگاه کالای ایرانی و اقتصاد کشور می‌کوشند که قطعاً می‌توانیم با همدیگر کارهای بزرگی برای هدف‌مان انجام بدهیم.

در واقع همه هدف‌مان یک چیز است اما به اشکال مختلف انجامش می‌دهیم و من شک ندارم اگر هرکسی مسئولیت خودش را از روی زمین بردارد و آن را به نحو احسن اجرا کند، همه چیز شکل بهتری از امروز به خودش خواهد گرفت.»

اما هرکدام از ما کدام مسئولیت را از روی زمین برداشته‌ایم و قرار است آن را به قله برسانیم؟

حالا این ایرانی بودن مگر چقدر مهم است؟ «می‌دانید؟ از همان روز بازارچه که محصولات بسیار زیبای ایرانی را دیدم، فکر کردم این تولیدکننده‌ها چقدر دلشان می‌خواهد نتیجه زحماتشان را ببینند و کجای کار ایراد دارد آن‌طور که شایسته‌اش هستند از آنها استقبال نمی‌شود؟ احساس کردم در این چرخه، نقطه‌ای وجود دارد که می‌لنگد و آن هم این است که اصلاً مردم خبر ندارند جنس ایرانی خوب هم وجود دارد.»

همین شد او تصمیم گرفت تکمیل‌کننده این چرخه باشد و نقشی در این آگاهی‌بخشی ایفا کند: «در واقع ایرانی بودن زندگی‌های ما از این نظر مهم است که باعث می‌شود چرخ زندگی دیگر هموطنانمان هم بچرخد؛ وخب چه چیزی از این مهم‌تر؟»

خانم مسعودشاهی مسئولیت فردی خودش را در این روزها همین می‌داند؛ مسئولیتی که شاید برای همه ما اما به شکل‌ها مختلف وجود داشته باشد: «من فکر می‌کنم پس ذهن همه ما به عنوان ایرانی، چیزی وجود دارد که دلمان می‌خواهد